

حضور آگاهانه و هوشیارانه‌ی مردم در صحنه

تحلیل و بررسی فتنه‌ی ۹۸

کمیل مومنی

مقدمه

غربی‌ها با تبلیغات فراوان گفته بودند که ایران چهار سالگی انقلابش را نخواهد دید؛ از این‌رو سال ۹۷ برای جمهوری اسلامی ایران سال حساس و مهمی بود. جان بوتن، مشاور ترامپ، نیز در نشست مشترک منافقین و سلطنت‌طلب‌ها در پاریس گفته بود که: «ما سال ۲۰۱۹ را در تهران جشن خواهیم گرفت.» و به صراحت از براندازی سخن گفته و از این رو فعالیت‌های رسانه‌ای غربی‌ها نیز در این زمینه بسیار گسترده بود. البته ترامپ هم تابستان ۹۷ را تابستان داغ توصیف کرده و گفته بود که مردم ایران تابستان سختی را پیش‌رو دارند. آمریکایی‌ها در دی‌ماه ۹۶ به دنبال افزایش قیمت سکه و دلار در پی فتنه‌جویی بودند که در آن ماجرا نیز ناکام ماندند. از این‌رو برنامه‌ی آمریکایی‌ها برای سال ۹۷ ایجاد ناامنی همراه با مشکلات اقتصادی بود که با هوشیاری ملت و مسئولین توانستند برنامه‌های خود را اجرا کنند. در همین راستا مقام معظم رهبری در ۱۳/۱۲/۹۷ در دیدار با خانواده‌ی شهدا برنامه‌های آمریکایی‌ها را چنین تحلیل کردند: «این‌ها اول امسال که سال ۹۷ است - یا اندکی قبل از امسال، اوایل سال جاری مسیحی- اعلام کردند که ایران تابستان داغی خواهد داشت، مقصودشان این بود که ما در تابستان به سراغ ایران می‌رویم و نقشه‌های ما در ایران تحقق پیدا خواهد کرد؛ یعنی همین اختلاف و دعوا و این را بکش به خیابان و آن را بیابور در عرصه و بین این گروه با آن گروه، آن گروه با آن گروه دیگر جنگ راه می‌اندازیم، دعوا راه می‌اندازیم، هدفشان این بود. به کوری چشم آن‌ها تابستان امسال یکی از بهترین تابستان‌های سال بود. بعد هم گفتند: جمهوری اسلامی چهار سالگی را نمی‌بیند؛ یعنی در پاییز و زمستان امسال همان توطئه‌ها را عمل خواهیم کرد. ملت ایران با استحکام تمام ایستاده است؛ به توفیق الهی در بیست‌دوم بهمن، این ملت سالگرد چهارم انقلاب اسلامی را با شکوه بسیار بهتر از سال‌های قبل برپا خواهد کرد.»

البته ایشان توجه همه را به نکته‌ی مهمی جلب کردند و در همین دیدار خبر از برنامه‌ی آمریکایی‌ها برای سال ۹۸ دادند و فرمودند: «ممکن است قریب باشد، چنانچه برای سال ۹۷ کنند و نقشه را برای سال ۹۸ بکشند.»

این سخنان رهبری زنگ خطری برای همه‌ی دل‌سوزان انقلاب بود. به راستی نقشه‌ی آمریکایی‌ها برای سال ۹۸ چه بود؟

پیش از بررسی حوادث آبان‌ماه ۹۸ مناسب است بار دیگر برنامه‌های دشمن را در دو سال اخیر به اختصار مرور کنیم.



مایکل اندریا، شاهزاده تاریکی

نیویورک تایمز در مقاله‌ای که در ماه ژوئن سال ۲۰۱۷ (۱۳۹۶) منتشر کرد از شخصی به اسم «مایکل دی اندریا» نام برد او هم‌چنین نوشت که مایکل اندریا «مسئول اجرای یکی از سیاست‌های جدید و مهم دولت آمریکا علیه ایران است.» براساسی مایکل اندریا کیست و چرا برای آمریکا اهمیت دارد؟ اطلاعات اولیه به ما می‌گوید که مایکل اندریا استاد شورشگری و خشونت است. گویا دولت ترامپ قصد داشت به وسیله‌ی مایکل، ایران را به خشونت بکشد.

مایکل اندریا معروف به «آیت‌الله مایک» و «شاهزاده‌ی تاریکی» چهل سال هست که مامور سازمان سیا است. مایکل همیشه چهره‌ی پنهانی داشته؛ از این‌رو به شاهزاده‌ی تاریکی معروف است و همیشه در پشت صحنه حضور داشته و صحنه‌گردانی کرده است. به گفته‌ی نیویورک تایمز «آیت‌الله مایک» یا «آیت‌الله مایکل» اسم مستعار اوست که به واسطه‌ی نفوذش در کشورهای مسلمان و پس از ازدواج با یک خانم به ظاهر مسلمان هندی‌تبار به نام فریده به این نام مشهور شده است. وی همسرش را در یکی از ماموریت‌های خارجی سیا ملاقات کرده و با هم ازدواج کردند. البته همسرش ده سال از او بزرگتر است؛ اما ثروت هنگفتی دارد.

مایکل در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷ شمسی) به سازمان سیا پیوست و در ابتدا به عنوان نیرویی مبتدی در اردوگاه نظامی بیری در ایالت ویرجینیا مشغول به خدمت شد. او ماموریت‌های فرامرزی خود را در آفریقا آغاز کرد و به عنوان افسر خدمات خارجی در سفارت ایالات متحده آمریکا در تانزانیا مشغول به خدمت شد. مایکل سابقه‌ی حضور مخفیانه، به عنوان فرماندهی عملیات‌های اطلاعاتی سیا در مصر و عراق را در کارنامه‌ی خود دارد. چند نمونه از عملیات‌های اجرا شده ی او، یکی عملیات دستگیری بن لادن و دیگری ترور «شهیدعماد مغنیه» در سوریه است. مامورانی که تحت هدایت مایکل کار کرده‌اند، نقشی اساسی در ترور شهیدعماد مغنیه از فرماندهان ارشد نظامی حزب‌الله لبنان در فوریه ۲۰۰۸ میلادی داشته‌اند؛ عملیاتی که CIA با همکاری موساد به وسیله‌ی بمبی که در خودرو کار گذاشته شده بود در آن حاج‌رضوان در دمشق به شهادت رساندند. کشتن هزاران نفر دیگر در حملات پهپادی در افغانستان و پاکستان از جمله دیگر جنایت‌های مایکل است. هم‌چنین سازمان سیا عملیات تهاجمی با پهپاد را تحت رهبری مایکل به یمن گسترش داد.

نه سال ریاست ستاد مبارزه با تروریسم سازمان سیا باعث شده بود تا طراحی و مدیریت پروژه‌های ویژه را به او بدهند. ترامپ مایکل را مشخصاً از ۱۲ خرداد ۹۶ به عنوان رئیس عملیات‌های مخفی سازمان سیا در ایران (مدیر جدید اداری جاسوسی درباری ایران یا همان میز ایران) در سازمان‌ها منصوب کرد. حاصل این نصب را هم در ایران بلافاصله بعد از شش‌ماه در اغتشاشات دی‌ماه ۹۶ دیدیم. برخی از اخبار حاکی از چند سفر او به داخل ایران است. مایکل به زبان عربی کاملاً مسلط است. زبان انگلیسی هم که زبان مادری اوست و زبان فارسی هم در حد عمومی بلد است. او در زمان اغتشاشات دی‌ماه ۹۶ در اربیل عراق حضور

داشته و از آن‌جا صحنه را مدیریت می‌کرد.

کارمندان اطلاعاتی پیشین و کنونی سیا انتصاب «مایکل دی اندریا» را اولین گام مهم دولت ترامپ برای عملی کردن مواضع سیاسی سرسختانه‌اش نسبت به ایران می‌دانستند. انتصاب مایکل اندریا یکی از مجموعه اقداماتی بود که در سازمان سیا تحت رهبری مایک پمپئو، رئیس وقت سازمان CIA و عضو سابق کنگره، انجام شد. هم‌چنین نیویورک تایمز نوشت: «از نظر رئیس سیا، مایکل دی اندریا فردی است معتاد به کار که می‌تواند به خوبی نقش تجسس درباری ایران را در سیر به عهده بگیرد».

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجعفر منتظری، دادستان کل کشور، روز پنجشنبه (۱۴ دی ۹۶) در همایشی در قم، با اشاره به اغتشاشات دی‌ماه ۹۶ گفته بود: «طراح اصلی این پروژه، یک آمریکایی به نام مایکل اندریا، مسئول سابق مبارزه با تروریسم سازمان سیا آمریکا است و اتاق عملیات متشکل از سه ضلع آمریکا، صهیونیست و آل‌سعود نیز برای این ناآرامی‌ها تشکیل شده بود که به طور عمده، برنامه‌ریزی آن را مایکل و یکی از افسران اطلاعاتی وابسته به موساد انجام می‌داد و هزینه‌ی آن هم به عهده‌ی آل‌سعود بود. وی نام این پروژه را «دکترین همگرایی نتیجه‌بخش» اعلام کرد و افزود: بر اساس اطلاعات بدست آمده، این اتاق فکر با مطالعات فراوانی که طی سال‌های گذشته انجام داده‌اند، پوش‌های اعتراضی مطالبه‌گر را تحت عنوان «نه به گرانی»، «نه به پرداخت قیوض» و «پویش مال‌باختگان و یازنستگان» در کشور به راه انداختند. در همان ایام بود که مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از خانواده‌های شهیدای جنگ تحمیلی در تاریخ ۹۶/۱۰/۱۲ فرمودند: «دشمن منتظر یک فرصت است، منتظر یک رخه است که از این رخه وارد بشود. شما همین قضایای این چند روز را مشاهده کنید. همه‌ی کسانی که با جمهوری اسلامی بداند، آن که پول دارد، آن که سیاست دارد، آن که سلاح دارد، آن که دستگاه امنیتی دارد، همه دست روی دست می‌گذارند بلکه بتوانند برای نظام اسلامی و جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی مشکل درست کنند».

طبق آخرین اخبار و رسدها مایکل به عنوان مدیر اجرایی این پروژه همچنان پشت صحنه حاضر است و در حوادث اخیر نیز با به لوج رساندن خشونت‌ها قصد ضربه زدن به نظام را داشته است. هم‌چنین آخرین اخبار مربوط به او حکایت از این دارد که علاوه بر ایران، او در بی‌ثبات‌سازی لوکراین، بولیوی و سایر کشورهایی که این مدل از اغتشاشات در آن‌ها در حال پیاده شدن است نقش اساسی را دارد.

در همین رابطه دنیل مک‌دانامز، مدیرعامل اندیشکده‌ی «رند پال» که فرزندش، سناتور رند پال، دوست بسیار نزدیک دونالد ترامپ است، در مصاحبه با شبکه‌ی «آرتی» خبر از آیت‌اللهی داد که پشت پرده‌ی شبکه‌سازی برای اغتشاشات آبان ماه ۹۸ در ایران است.

وی در این گفتگو مدعی شد: این گونه ناآرامی‌ها بیشتر کار «مرکز ماموریت برای سرنگونی رژیم ایران» است که دولت ترامپ سال گذشته آن را آغاز کرد و اگر به خاطر داشته باشید مایکل دی اندریه هم مدیریت آن منصوب شد. او

مامور سازمان سیا است که با عنوان «آیت‌الله مایک» شناخته می‌شود و او مسلمان شده است؛ ولی نفرت غریزی عمیقی درباریه ایران دارد. به او گفته شده هر کاری که لازم است؛ هر کاری که فکر می‌کنی باید بکنی، انجام بده تا ایران را بی‌ثبات کنی و رژیم آن را سرنگون کنیم. این کسی است که بعد از ۱۱ سپتامبر در شکنجه‌ی بازداشت شدگان نقش مهمی داشت و در این کار هیچ‌گونه درنگی نمی‌کند. چنین شخصی را مدیر سیاست بی‌ثباتی و سرنگون کردن ایران کرده‌اند. سیال و نیم پیش هم ناآرامی در ایران



وجود داشت و حالا هم فکر می‌کنیم که این ناآرامی‌ها نتیجه‌ی افزایش قیمت بنزین است. خبر، طرح‌های سیاست بی‌ثبات کردن کشورهای گوناگون است که از هنگ‌کنگ تا اوکراین و ایران می‌بینیم و این ناآرامی‌ها نتیجه‌ی کوشش برای سرنگونی دولت ایران است.»

لبنینیزم؛ از کودتای ۲۸ مرداد تا اغتشاشات بنزینی

با مروری کوتاه بر تاریخچه‌ی جنایت‌های سازمان سیا در ایران می‌بینیم که مثل سازمان سیا در براندازی و کودتا همواره با ایجاد رعب و وحشت و به کارگیری خشونت به وسیله‌ی افراد دون‌مایه و سبک مغز جامعه همراه بوده است. امروز سازمان سیا، منافقین و سلطنت‌طلبان را دور یک میز جمع کرده و با حمایت مالی به آن‌ها، از آنان می‌خواهد تا همه‌ی حربه‌های خود را علیه ایران به کار گیرند. سازمان سیا در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با به میان آوردن افراد نخدمت‌مغزی همچون شعبان می‌مخ، پری‌بلنده مژگان کچل و با استفاده از ظرفیت سایر لبنین‌های اجتماعی، محمدرضا را به کشور بازگرداند تا همواره منافع ایران در چنگالش باشد. امروز نیز سازمان سیا با همان مدل و با استفاده از مشت‌خوردفروخته‌ی وطن‌فروش و با تجهیز آنان به انواع سلاح‌های گرم و سرد سعی در ایجاد ناامنی و شورش در شهرها را دارد. سازمان‌دهی دخترها و پسرهای جوان در قالب گروه‌های چند نفره و آموزش ساخت نازنجک دست‌ساز و آموزش غارت و ایجاد حریق، بخشی از اقداماتی است که برخی از دستگیرشدگان حوادث اخیر به آن اعتراف کرده‌اند. تخمین‌ها نشان می‌دهد که مجموع افرادی که در این اغتشاشات در صحنه بوده‌اند حدود دویست‌هزار نفر بوده که نسبت به هشتاد میلیون ایرانی رقم ناچیزی است؛ هم‌چنین این افراد در عراق سی‌هزار نفر بوده‌اند که البته به کمک شبکه‌های اجتماعی و با پشتوانه‌ی کانال‌های ماهواره‌ای سعی داشتند تا خود را بیش از این تعداد جلوه دهند.

آصف بیات و نظریه ناچینش‌های اجتماعی

فتنه‌ی ۸۸ که در قالب انقلاب‌های محملی و کودتای نرم توسط «چین شارب» مطرحی شده بود، به دنبال کشاندن مردم به داخل خیابان‌ها و تشویق آن‌ها به ماندن در خیابان تا سقوط دولت بود. مدل براندازی چین شارب جنبش‌های بدون خشونت است که در آن مردم به خشونت دعوت نمی‌شوند (هرچند در ایران پس از شکست این طرح، فتنه‌گران مردم را به خشونت نیز دعوت کردند). در کشورهای؛ مانند گرجستان، اوکراین و سایر کشورهای که با یک کودتای نرم دولت مطبوع آمریکا بر سر کار آمد حجم زیادی از مردم را در خیابان‌ها شاهد هستیم که همگی از یک نماد واحد برخوردار هستند (ایران رنگ سبز نماد این جریان بود) و تنها یک خواسته دارند.

اما در فتنه‌ی ۹۸ شاهد تغییر در نوع اعتراضات هستیم. در اغتشاشات آبان ماه شاهد آمن به درون خیابان، ایجاد خشونت و درگیری با مردم، ایجاد راجیدن، آتش زدن لاستیک و سطل‌های زباله، شعارنویسی روی دیوار، استفاده از کوکتل مولوتف، خاموش کردن خودروها داخل پمپ بنزین‌ها یا خیابان‌ها و میداین اصلی شهر و... هستیم. در همین میان هشتک‌های فراوانی؛ مانند هشتک #بنزین نمی‌زنیم؛ ناگهان فضای مجازی را پر می‌کند که کم‌کم درگیری‌ها بالا می‌گیرد و آتش زدن منازل مردم، پایانه‌های اتوبوس‌رانی، بانک‌ها و ادارات دولتی و حتی آتش زدن زونه‌های علمیه فراگیر می‌شود. غارت فروشگاه‌های زنجیره‌ای و بانک‌ها و در نهایت کشتن افراد بیگانه از جمله‌ی دیگر ویژگی‌های این اغتشاشات است. هم‌زمان در شبکه‌های اجتماعی فیلم‌هایی از الگوهای مشابه این اغتشاشات و بی‌ثبات‌سازی در هنگ‌کنگ، عراق، لبنان و حتی جنبش جلیقه زردهای فرانسه دست به دست می‌شد که در واقع چگونگی ابراز خشونت و شورش را به مخاطب آموزش می‌داد.

یکی از نظریه‌پردازان این نوع اغتشاشات، فردی است به نام «آصف بیات» که نظریات خود را در قالب نظریه‌ی «جنبش‌های اجتماعی» و «پیشروی آرام» ارائه می‌کند. بیات در اواخر دهه‌ی ۵۰، تحصیلات تکمیلی خود را در دانشگاه کنت بریتانیا ادامه داد و نقش کارگران در انقلاب اسلامی را به عنوان موضوع پایان‌نامه‌ی دکترایش انتخاب کرد که با نام «کارگران و انقلاب در ایران» به چاپ رسید. او سپس در سال ۱۹۸۶ به مصر نقل مکان کرد تا در دانشگاه آمریکایی قاهره درس بدهد. بسیاری از تحقیقات او بر مسایل اجتماعی آن کشور متمرکز شد و کتاب «کار، سیاست و قدرت» را به رشته‌ی تحریر درآورد که درباره‌ی تجربه‌ی مصر از مشارکت کارگری از زمان ریاست‌جمهوری جمال عبدالناصر بود.

از آن موقع، بیات کار خود را در جامعه‌شناسی صنعتی پشت سر گذاشت تا درباره‌ی ترندها، تدبیرها و راهبردهای بنیوسد که هم در ایران، هم در مصر و دیگر کشورهای جهان سوم، «تهی‌دستان شهری» به کار می‌گیرند و به کارهای غیررسمی رو می‌آورند همان که بعداً موضوع اصلی کتابش در سال ۱۹۹۷ با عنوان «سیاست خیابانی: جنبش تهیدستان در ایران» شد.

فراز و فرود فتنه‌ی ۹۸

در ۱۷ آبان‌ماه اردوگان در سفری در مجارستان خبر از توطئه‌ای عبری-عربی- غربی در منطقه داد. لبنان و عراق چندین هفته درگیر منازعات داخلی بودند و همین اغتشاشات نگرانی‌هایی را برای دل‌سوزان نظام به وجود آورده

تاکتیک یورش فوجی

یکی از نکات مهم در تحلیل الگوی عملیاتی شورشیان در اغتشاشات آبان ۹۸، بررسی تاکتیک‌های به کار گرفته شده در این اغتشاشات است. تاکتیک یورش فوجی، تاکتیکی است که در آن به طور همزمان دهها نقطه از یک‌باره اجتماع را درگیر می‌کنند تا از این طریق قدرت واکنش حاکمیت



را کاهش دهند و در نتیجه به مقاصد خود برسند. اگر در قالب یک مثال بخواهیم بیان کنیم «کسانفر دمارانش» در کتاب «جنگ جهانی چهارم» می‌گوید که ما نمی‌توانیم انقلاب اسلامی را از بین ببریم، اما می‌توانیم او را عصبانی کنیم. او مثال می‌زند که یک مگس هرگز نمی‌تواند یک خرس را نابود کند و از پا در بیاورد؛ اما می‌تواند به قدری در گوش او وز وز کند تا او را عصبانی کند. وقتی عصبانی شد قدرت تصمیم‌گیری را از دست می‌دهد لذا ضربه‌پذیر می‌شود. در مدل تاکتیک یورش فوجی نیز چیزی شبیه به این مثال؛ اما بسیار ارتقا یافته و به روز شده، طراحی شده است. در قالب مثال این‌گونه بیان می‌شود: یک زنبور هرگز نمی‌تواند یک خرس را از پا درآورد؛ اما اگر هزار زنبور به طور همزمان به هزار نقطه از بدن خرس حمله کنند، قطعاً خرس از پا در می‌آید. بنابراین در تاکتیک یورش فوجی شناسایی دقیق نقاط آسیب‌پذیر جامعه، حاکمیت و استفاده از تمامی امکانات و ظرفیت‌ها موارد مهمی است که در دستور کار شورشیان قرار داشته است. آن‌ها مأمور بودند تا از کمترین امکانات برای مختل کردن حاکمیت استفاده کنند؛ لذا در جیب یا کیف اکثر شورشیان یک فندک و یک چاقو کشف شده است. فندک برای آتش زدن و چاقو برای ضربه زدن به مردم و مأمورین در هنگام درگیری، به گفته مسئولین ناجا تعداد بیشتری از کشته‌شدگان با سلاح‌های کوچک ضعیف (مانند چاقو یا هفت تیر) کشته شده‌اند که

بود. اردوغان گفت: «آن‌ها درصدد هستند تا این ناآرامی‌ها را به داخل ایران بکشانند» این خبر درست یک هفته قبل از گران شدن بنزین بود.

۱۴ آبان بود که خبر افزایش ناگهانی نرخ بنزین همه را شوکه کرد. تازه پس از مدت‌ها نابسامانی اقتصادی و به‌وجود آمدن ثبات نسبی اقتصادی در بازار، این خبر نامتد شوکی بر جامعه وارد شد. گران شدن ناگهانی قیمت بنزین که برخی از کارشناسان از آن به عنوان «پروژه‌ی شوک» یاد می‌کنند، زمینه را برای وقوع اغتشاشاتی در ایران مهیا کرد. افزایش سه برابری قیمت بنزین آن هم در روز هفده ربیع‌الاول که روز عید و شادی مردم بود و بدون هیچ‌گونه زمینه‌سازی روانی برای جامعه، اوج بی‌تدبیری از سوی دولت بود.

پس از اعلام خبر گرانی بنزین، در ۲۴ ساعت اول شاهد آشوب‌هایی در گوشه و کنار برخی شهرها بودیم. گویا ۲۴ ساعت زمان لازم بود تا لیدرهای شورشی به سازماندهی نیروهایشان بپردازند. بر اساس مدل تقسیم‌بندی بلواها در علم ضدشورشگری، بلواها به سه دسته تقسیم می‌شوند. در این تقسیم‌بندی، بلوای سازمان نیافته و غیرمسلحانه («آشوب» نامیده می‌شود. آشوب‌ها پس از ۲۴ ساعت وارد فاز بعدی؛ یعنی اغتشاش می‌شوند. «اغتشاش» بلوای سازمان یافته؛ اما غیرمسلحانه است که اگر لیدرهای اغتشاش بتوانند سلاح به دست معترضین برسانند آن‌گاه اغتشاش به «شورش» تبدیل می‌شود؛ این بلوای سازمان یافته، مسلحانه است. طبق گزارش نیروی انتظامی در برخی از شهرهای ایران، شورشیان حجم زیادی سلاح به صورت قاچاق وارد کرده بودند که همین امر موجب شد تا تعداد کشته‌ها نسبت به فتنه‌ی ۸۸ و اغتشاشات دی‌ماه ۹۶ بیشتر شود. مدل عملیاتی شورشیان نیز تسلط بر شهرهای کوچک‌تر و حرکت به سمت شهرهای بزرگ بوده است. این مدل را قبلاً نیز چریک‌های فدایی خلق که یک گروه کمونیستی بودند در سال ۱۳۶۰ امتحان کرده بودند. چریک‌های فدایی خلق پس از شکست در جنگ شهری رو به جنگ‌های مازندران آوردند. آن‌ها بعد از سازماندهی به سمت شهرهای حرکت کردند و به خیال خود درصدد بودند تا با تسلط بر آمل، حاکمیت را تحت فشار قرار دهند که البته با مقاومت مردمی در آمل روبرو شدند و مردم آمل در حماسه‌ی «همین ۱۳۶۰» شورشیان را برای همیشه تار و مار کردند و ضربه‌ی سختی به آن‌ها زدند.

این نکته نیز ناگفته نماند که به همین مدل از اعتراضات و سپس اغتشاشات بود که فتنه‌گران در جنوب سوریه در منطقه‌ی درعا، مردم را به خیابان‌ها کشاندند و بعد هم به پهناهی مبارزه با تروریسم و دفاع از مردم، از هشتاد کشور دنیا در سوریه نیرو پیاده کردند که حاصل آن به‌وجود آمدن داعش و سایر گروه‌های تروریستی و جنگ سوریه شد.

هنگامی که قرار باشد شورش در سه کشور ایران، عراق و لبنان گسترش یابد تا از این راه آمریکا به اهداف خود برسد قطعاً آن‌ها در این مسیر از ظرفیت رسانه‌ها بیشترین استفاده را خواهند کرد. جدای از شبکه‌های ماهواره‌ای و سایت‌های اینترنتی؛ مانند بی‌بی‌سی فارسی، من، تو و من، صدای آمریکا، راد یواس‌آر‌آیل، راد یو فردا، ایران اینترنشنال و... که ۲۴ ساعته مشغول دروغ‌پراکنی بوده و هستند، این بار سینمای هالیوود نیز در اقدامی کاملاً حساب شده به میدان آمد.

نشان می‌دهد در شلوغی و ازدحام از فاصله‌ی بسیار نزدیک ترور شده‌اند و حتی فشنگ از آن طرف بدن آنها خارج نشده است. یکی از لیدرهای آن‌ها بعد از دستگیر در اعترافی می‌گوید که سازمان منافقین از سال ۹۶ با راهاندازی «سازمان کانون‌های شورشی» اقدام به جذب جوانان عمدتاً از مسیر تلگرام و اینستاگرام کرده و با وعده‌ی اقامت در خارج از کشور جوانان را برای اغتشاش و درگیری آموزش می‌داده است. بنابراین، این حوادث کاملاً از پیش طراحی شده و کاملاً سازمان یافته بوده است.

لبنان و عراق، از اغتشاش تا استعفاي نخست وزیر

فتنه‌انگیزی آمریکایی‌ها در منطقه‌ی غرب آسیا تمامی ندارد. اهمیت این منطقه بر هیچ کس خصوصاً دشمنان اسلام پوشیده نیست. «افرد ماهان» صاحب نظریه‌ی «هارت‌لند» به سران استخبار چین گرا داد که اگر می‌خواهید دنیا را بگیرد باید این منطقه را بگیرد و بر آن مسلط شوید چراکه این منطقه لولای سه قاره‌ی آسیا، آفریقا و اروپا است؛ لذا به لحاظ ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک بسیار راهبردی است. این منطقه دسترسی بسیار مناسب و فوق‌العاده‌ای به مناطق خشکی و دریایی دارد و از همه مهم‌تر منابع فراوان نفت و خصوصاً گاز طبیعی را در خود جای داده است و هر کس قطب انرژی جهان را در دست داشته باشد؛ یعنی قدرت مطلق دارد. بنابراین اشغال، غارت و حتی تجزیه کشورهای منطقه همیشه در برنامه‌ی آمریکایی‌ها بوده است. اما امروزه با رشد جریان بنیادی و مقاومت اسلامی نگرانی آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها مضاعف شده؛ لذا آن‌ها به دنبال فتنه انگیزی جدیدی هستند.

اعتراضات لبنان و عراق علاوه بر اغتشاشات، ناآرامی‌ها و کشته شدن تعدادی از مردم، موجب استعفاي نخست وزیر در دو کشور نیز شد. نبود دولت در هر کشور به معنای «خلأ قدرت» است که در درازمدت این امر می‌تواند موجب هرج و مرج و ناامنی شود. البته آن‌ها این برنامه را برای ایران نیز داشتند که با درایت رهبری ناکام ماند.

تخریب، غارت و کشته‌سازی

همگان می‌دانند که پلیس در شورش‌های اجتماعی بدون سلاح گرم به میدان می‌آید؛ اما مراکز نیروی انتظامی به صورت مسلح آماده دفاع از مراکز خود هستند. سیخ و سپاه نیز در خیابان بدون سلاح هستند؛ اما در مراکزشان سلاح وجود دارد و هنگام حمله به مراکز از سلاح استفاده می‌کنند. طراحی حاکمتر کشته‌سازی را برگزیده بودند از این قاعده آگاه بودند و از آن بهره بردند.

در عراق مزدوران داعشی و بعضی که در پوشش اعتراضات اقتصادی به میان معترضان نفوذ کرده بودند و شهرهای مهم عراق از بصره تا بغداد را به آشوب کشیده بودند، در یک اقدام وفجانه در میدان «لوثیه» یک نوجوان ۱۶ ساله‌ی عراقی را به طرز فجیعی به قتل رساندند و جنازه‌ی او را وارونه در خیابان به دار کشیدند! این جنایت هولناک فقط یکی از صدها جنایتی بود که مزدوران یعنی، سعودی، اماراتی و... از آغاز آشوب‌های عراق (اول اکتبر؛ مهرماه) علیه مردم مظلوم این کشور مرتکب شدند. آن‌ها کشته‌سازی و ایجاد فضای رعب و وحشت در ایران را نیز دنبال می‌کردند.

در جریان آشوب‌های آبان‌ماه در ایران نیز مزدوران اجاره‌ای ضمن به آتش کشیدن اموال عمومی، خانه و کاشانه‌ی مردم، پمپ بن‌زین‌ها و بانک‌ها، ده‌ها

نفر را نیز با سلاح گرم و سرد به قتل رساندند.

شواهد و اسناد موجود تردیدی باقی نمی‌گذارد که فرمول آشوب‌های اخیر در همه‌ی کشورهای ناهم‌خوان با آمریکا، یسکان بوده است و مأموریت آشوبگران آدم‌کش و خونریز، ایجاد ترس و وحشت در میان مردم با هدف وادار کردن حکومت‌های مستقل به پذیرش سلطه از دست رفته‌ی آمریکا در این کشورها بوده است. در آشوب اخیر ایران، جدایی مردم عادی از ارادل اجاره‌ای با درایت رهبر معظم انقلاب و هوشیاری مردم خیلی زود اتفاق افتاد و آشوب‌ها در فاصله‌ی زمانی کوتاهی جمع شد.

در این میان حمایت برخی از گروه‌های سیاسی بدسابقه از آشوبگران که بیاتیه‌ی ۷۷ فقره از اصلاح‌طلبان و اظهارات چند نماینده‌ی مجلس نمونه‌هایی از آن است، به دنبال کلید زدن پرده‌ی سود سناریوی آشوب بود که با حضور به موقع مردم در صحنه ناکام ماند.

جوکر، فیلمی که مخاطب را دعوت به شورش می‌کند!

هنگامی که قرار باشد شورش در سه کشور ایران، عراق و لبنان گسترش یابد تا از این راه آمریکا به اهداف خود برسد قطعاً آن‌ها در این مسیر از ظرفیت رسانه‌ها بیشترین استفاده را خواهند کرد. جدای از شبکه‌های ماهواره‌ای و سایت‌های اینترنتی؛ مانند بی‌بی‌سی فارسی، من‌وتو، صدای آمریکا، رادیو اسرائیل، رادیو فردا، ایران اینترنشنال و... که ۲۴ ساعته مشغول دروغ‌پراکنی بوده و هستند، این بار سینمای هالیوود نیز در اقدامی کاملاً حساب شده به میدان آمد.

در ماه اکتبر (مهرماه) بود که سینمای هالیوود خبر از اکران فیلمی با نام «جوکر» داد. فیلمی که به سرعت در ایران و حتی عراق و لبنان دوبله و پخش شد. در ایران با گذشت تنها چند هفته، جوکر تبدیل به یکی از پر بیننده‌ترین فیلم‌ها شد. جالب این‌که در برخی از سکناس‌های این فیلم خشونت به لوج خود می‌رسد و فرد خشن یا همان جوکر، به عنوان یک قهرمان به جامعه معرفی می‌شود. قهرمان جامعه‌ای سیاه که مردمانش به خاطر سیاست و فساد سیاستمداران و همچنین بی‌رحمی به یکدیگر، به این تاریکی و سیاهی محکوم می‌شوند.

جوکر، شخصیت اول فیلم، دلگس است که قصد خناندن مردم را دارد و البته از یک بیماری روانی نیز رنج می‌برد. او در این مسیر مورد آزار و اذیت دیگران به خصوص قشر مرفه و سرمایه‌دار جامعه قرار می‌گیرد و رفته رفته بیماری روانی‌اش به جنون تبدیل می‌شود. جنونی خشن که باعث می‌شود دست به قتل و جنایت بزند و بعد از آن به‌جای این‌که از کار خود پشیمان باشد، برعکس احساس رضایت کند؛ زیرا به آن خندانن مردم بلکه با کشتن آن‌ها، نامش بر سر زبان‌ها افتاده و معروف شده. قانون به دنبال یافتن اوست و مردم نیز که از ظلم سرمایه‌داران کوششان به تنگ آمده‌اند، از او الهام گرفته‌اند و مانند جوکر نقاب بر چهره می‌گذارند و در اعتراض به کوچه و خیابان‌ها می‌ریزند و دست به غارت و تخریب و شورش می‌زنند. هنگامی که مخاطب این فیلم را تماشا کند در پایان فیلم حس همزادپنداری با جوکر پیدا می‌کند و مایل است تا مانند جوکر اعتراض خود را اعلام کند. نکته‌ی جالب این‌که همزمان تبلیغ فراوانی نسبت به فیلم جوکر در فضای مجازی نیز صورت گرفت. هشتک #جوکر در بسیاری از پیام‌ها به چشم می‌خورد. برخی از فعالان فضای مجازی نیز برای تحریک هرچه بیشتر



هم حق با مردم است؛ مطالباتی دارند، توقعاتی دارند، انتظاراتی دارند و اگر نشود اعتراض می‌کنند. مطالبات مردم یک مسئله است، فتنه‌سازی به خاطر مطالبات یک مسئله‌ی دیگر است؛ این دومی کار دشمن است، کار دوست نیست، امسال هم البته در آبان ملاحظه کردید - که حالا یک جمله‌ی جالبی در این زمینه وجود دارد که بعد عرض می‌کنم - مردم مطالباتی داشتند؛ دشمنی که افرادی را آماده کرده بود، از این فرصت مطالبات استفاده کرد، فوراً وارد شد، شروع کرد تخریب کردن، بصیرت مردم، این‌جا بود که بمجرّد این‌ها که دیدند حساب، حساب تخریب بزین، آتش زدن و نابود کردن و زیربناها را خراب کردن است کنار کشیدند. مطالبات مردم، بود و هست؛ اما حاضر نشدند با فتنه‌گر همراهی کنند؛ کنار کشیدند، فتنه‌گر تنها ماند؛ این مهم است. فتنه‌گر سعی می‌کند خود را در میان مردم پنهان کند. بصیرت و هوشیاری مردم غائله را ختم کرد؛ هم در آبان امسال، هم در سال ۸۸، هم در طول سال‌های گوناگون از اول انقلاب تا امروز؛ [این به خاطر] بصیرت مردم بود. در همین یک ماه قبل از این، در این قضایا مردم خودشان را کنار کشیدند و از فتنه‌گران [جدا کردند]؛ بعد از دو سه روز هم آمدند وسط خیابان و آن اجتماعات عظیم در شهرهای گوناگون کشور، به وجود آمد؛ این‌ها بصیرت مردم و آگاهی مردم است.

به نظر من و آن چیزی که من احساس می‌کنم، آن کسانی که از مطالبات مردم سوءاستفاده می‌کنند، غالباً کسانی هستند که با سرویس‌های اطلاعاتی دشمنان سر و کار دارند؛ غالباً این چنین است. حالا یک عدای هم البته - به‌ندرت هیجانی ممکن است وسط میدان بیایند؛ اما در بین آن کسانی که صورت‌هایشان را می‌بندند، به انبار بزین حمله می‌کنند، به انبار گنبد ذخیره‌ی کشور حمله می‌کنند که آتش بزین، در شهر را می‌افتند بزین‌ها را تخریب می‌کنند - چه متعلق به دولت، چه متعلق به مردم - به‌ندرت ممکن است کسانی باشند که فقط صرف هیجان این‌ها را کشنده باشد؛ به اعتقاد بنده دست‌اندرکاران و گردانندگانشان با سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه مرتبطند؛ آن‌ها می‌دانند که چه کسانی هستند؛ این‌ها را آماده نگه داشته‌اند تا یک بهانه‌ای پیش بیاید، بیایند وسط میدان».

مخاطبین خود نوشته بودند؛ اگر نسبت به گرانی بزین معترض هستید، فیلم جوکر را ببینید! البته تاثیر فضای مجازی در این اغتشاشات به مراتب بیشتر از سایر رسانه‌ها بوده است که به علت قطع اینترنت سایر ابزارهای رسانه‌ای سعی داشتند تا جای آن را پر کنند.

بیانات رهبری و خروشی ملت

صبح روز یکشنبه ۲۶ آبان‌ماه مقام معظم رهبری درباره‌ی گرانی بزین و حوادث پیش آمده در کشور نکاتی را فرمودند و با حمایت خود از تصمیم مسئولین نظام، عمل آشوبگران را محکوم کردند. همین بیانات کافی بود تا مردم صفشان را از اغتشاشگران جدا کنند. هرچند اکثر مردم نسبت به گرانی بزین معترض بودند اما هرگز اغتشاش و تخریب را که مقدمه‌ی ناامنی و شورش بود نمی‌خواستند؛ به همین دلیل از فردای آن روز به صورت خودجوش و البته عصبانی از فتنه و مکر فتنه‌جویان به خیابان‌ها آمدند و یکسره شعار «مرگ بر فتنه‌گر»، «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر آشوبگر» سر دادند. این حرکت که از زنجان و تبریز شروع شد، در همه‌ی ایران فراگیر و در نهایت با خروشی میلیونی مردم تهران به پایان رسید. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار بسیجیان در قاهره در سیاست از این حرکت بزرگ ملت فرمودند: «حقیقتاً ملت ایران یک بار دیگر ثابت کردند که قدرتمندند، با عظمتند، بنده اصرار دارم که همه‌ی احاد ملت به این اقتدار و عظمت خودشان توجه داشته باشند. یک توطئه‌ی عمیق و وسیع بسیار خطرناکی که آن همه هم پول خرجش شده بود - چقدر پول خرج کرده بودند - چقدر زحمت کشیده بودند که بتوانند در یک بزنگاهی، در یک فرصتی این حرکت تخریب، تحریک، آدم‌کشی، شرارت و مانند این‌ها را انجام دهند و به مناسبت این قضیه‌ی بزین فکر کردند که حالا این فرصت برایشان پیدا شده و لشکر خودشان را وارد میدان کردند، [لکن] این حرکت به وسیله‌ی مردم نابود شد. بله، نیروی انتظامی، بسیج، سپاه، دیگران در آن چند روز وارد میدان شدند و در مواجهه‌ی سختی کار خودشان را، وظیفه‌ی خودشان را انجام دادند. لکن کاری که ملت در این یک هفته کردند، خیلی بالاتر بود، خیلی مهم‌تر بود از هر حرکت میدانی؛ [یعنی] این کاری که از زنجان و تبریز شروع شد، بعد به همه‌ی شهرهای کشور بلکه حتی کشیدیم به بعضی از روستاها رسید، آخر هم پرپرور در تهران این حرکت به این عظمت انجام گرفت». هم‌چنین ایشان در این دیدار توصیه‌های راه‌گشایی را نسبت به مسایل جاری در کشور کردند که سرفصل‌های آن عبارتند از:

لزوم آملادی همیشگی چه در عرصه‌ی جنگ سخت و چه در عرصه‌ی جنگ نرم و الا غافل گیر می‌شوید.
 در جنگ نرم هیچ‌گاه عکس‌العملی برخورد نکنید و ابتکار عمل داشته باشید. فعال باشید نه منفعل. کنش داشته باشید نه واکنش. همیشه چند قدم از دشمن جلوتر باشید و ذهن دشمن را بخوابانید. ارتباطات را با مسجد تقویت کنید و نگذارید ارتباطات ضعیف شود. با سایر نیروها هم‌افزایی کنید. اهل تعاون و همکاری باشید. به شکل هنرمندانه دستاوردهای انقلاب و خدمات نظام را تبلیغ کنید. هم‌چنین ایشان در دیدار پرستان در ۱۱ دی‌ماه فرمودند: «یک نکته‌ی بسیار مهمی وجود دارد که ملت ایران خوشبختانه با بصیرتی که دارند، به این نکته کاملاً توجه کردند. خب مردم یک مطالباتی دارند؛ در اغلب موارد